

## بررسی ویژگی‌های امنیتی شدن یک پدیده (موضوع) در جمهوری اسلامی ایران

جعفر فیینی‌زاده بیدگلی<sup>۱</sup>

امیر هوشنگ خادم دقیق<sup>۲</sup>

محمد شفیع شفیع‌نیا<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۵

### چکیده

سؤال از چپستی امنیت و عناصر دخیل در امنیتی شدن پدیده‌ها، موضوعی است که ذهن بسیاری از صاحب‌نظران مسائل امنیتی را به خود مشغول کرده است. تأمین امنیت از اساسی‌ترین نیازهای بشر و دارای پیوندی عمیق با شکوفایی و رشد و توسعه نظام‌های سیاسی و حکومت‌ها می‌باشد. اگر امنیت را مهم‌ترین کارکرد و خدمت دولت بدانیم، امنیت ملی بزرگ‌ترین دغدغه هر نظام سیاسی است که با عناصر ایدئولوژیک، فرهنگی و اجتماعی پیوند خورده است و مکاتب مختلف امنیتی بر اساس نوع نگاهشان نسبت به امنیت و اجزای آن، نوع تهدید را مشخص می‌کنند. بنابراین دغدغه اصلی این پژوهش بررسی ویژگی‌های امنیتی شدن یک پدیده یا موضوع و ارائه الگویی در این زمینه بوده که به روش توصیفی - تحلیلی مورد پژوهش قرار گرفته است. نوع تحقیق توسعه‌ای - کاربردی، روش جمع‌آوری داده‌ها اسنادی - کتابخانه‌ای با ابزار فیش‌برداری و روش تجزیه و تحلیل به صورت کیفی و مباحثه‌ای با تعداد ده نفر از نخبگان اطلاعاتی و امنیتی می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که امنیتی شدن یک موضوع متأثر از ذهن، ادراک و نگرش بازیگر و مخاطب، مکاتب و نگاه‌های امنیتی، اقدام گفتاری و عمل به گفتار است که در این مقاله مؤلفه‌های مؤثر بر امنیتی شدن پدیده (موضوع) در جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته است.

**کلید واژه‌ها:** امنیت، امنیت ملی، تهدید، امنیتی شدن

۱- دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی - دانشگاه عالی دفاع ملی.

۲- دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی - دانشگاه عالی دفاع ملی.

۳- دکتری حقوق بین‌الملل و مدرس دانشگاه عالی دفاع ملی.

## مقدمه

امنیت همانند مفاهیمی چون قدرت، عدالت و آزادی، هم‌زمان می‌تواند به‌صورت نظری، به‌مثابه امری عینی و یا به‌صورت عملی و به‌مثابه امری ارزشی یا هنجاری، مورد تحلیل قرار گیرد. (تقی‌لو و آدمی، ۱۳۸۹: ۳۹) این واقعیت که امنیت از جمله نیازهای اولیه زندگی انسان بوده و تاریخی به‌درازای سکونت بیشتر بر روی کره خاکی دارد، از پیشینه طولانی مطالعات امنیتی حکایت می‌کند. (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۳)

برای تعریف تهدید باید به «منافع»، «توانمندی موضوع یا واحد مورد تهدید»، «شرایط محیطی»، «قدرت و توانایی تهدید»، «زمان (ممکن است موضوعی در یک زمان تهدید بوده و در زمان دیگر تهدید نباشد)» و «تصور از اقدام‌ها یا پدیده‌ها (می‌توان پدیده‌ها را تهدید یا تهدید زدایی درک نمود)» توجه و بر اساس آن‌ها، تهدیدها را تفکیک نمود. از نظر ریچارد اولمان<sup>۱</sup>، نوع و شدت تهدید، دو عنصر اصلی تهدید امنیتی محسوب می‌شوند. با توجه به این تعریف، به نظر می‌رسد تهدید، زمانی تبدیل به یک موضوع امنیتی می‌شود که با سه موضوع «مردم»، «کشور» و «حکومت» در ارتباط باشد. «همچنین می‌توان تهدیدهای امنیتی را تهدیدهایی دانست که هدف‌ها و ارزش‌ها حیاتی یک کشور را به‌گونه‌ای در معرض خطر قرار دهند که در آن‌ها، تغییر ماهوی و اساسی انجام شود. تهدیدها را می‌توان میزان توانمندی‌های حریف نیز دانست. این توانمندی‌ها اغلب از ابعاد سیاسی - نظامی برخوردار بوده و علیه یک نظام به کار می‌روند.» (درویش سه‌ثلاثی، ۱۳۷۴: ۱۴۶)

مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به‌عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز است. در سال ۱۹۸۳، اولمان نگاه تک‌بعدی به مباحث امنیت را زیر سؤال برد و اتکای صرف به بعد نظامی را عامل ناامنی شمرد. در سال ۱۹۹۱ هافندورن<sup>۲</sup> در مقاله‌ای اظهار داشت مطالعات امنیتی بیش از تمرکز بر امنیت نظامی بر جنبه‌های اقتصادی، فناورانه و داخلی متمرکز می‌باشد. (همان)

بوزان<sup>۳</sup> به شکلی مبسوط‌تر امنیت مضیق را زیر سؤال برده و امنیت تک‌بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داد. (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۱) با بسط مفهوم امنیت و گسترش ابعاد آن دو نوع دغدغه در ذهن به وجود می‌آید:

آیا با فرض توسعه ابعاد امنیت (نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی) همه موضوعات و مسائل را باید امنیتی دانست؟ اگر این‌گونه نیست مرزی که یک تهدید جنبه امنیتی پیدا می‌کند کجاست؟

1. Olman  
2. Haftendorn  
3. Buzan

بنابراین اهمیت و ضرورت اهتمام بر این مبحث؛ شناخت ویژگی‌های امنیتی شدن یک پدیده (موضوع) و تبیین الگویی منطقی منطبق با اسناد راهبردی، بالادستی، آرمان‌ها، مطالعات ملی و سیاست امنیت ملی کشور است که منجر به تحقق راهبردهای امنیتی در برابر تهدیدات امنیتی و همچنین قدرت تشخیص موضوعات امنیتی و غیرامنیتی از هم در سطح کلان و خرد تصمیم‌گیری کشوری خواهد شد. هدف اصلی این تحقیق تبیین ویژگی‌های امنیتی شدن یک پدیده (موضوع) است که این پژوهش با افراز به این سؤال که ویژگی‌های امنیتی شدن یک پدیده (موضوع) چیست؟ درصد دستیابی به هدف اصلی تحقیق می‌باشد. در همین راستا در این پژوهش ابتدا به بررسی مباحثی همچون امنیت، نظریه‌های امنیتی و تهدید پرداخته شده و سپس عوامل مؤثر و نقش‌آفرین در امنیتی شدن یک پدیده (موضوع) به روش توصیفی - تحلیلی با روش جمع‌آوری داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین روش تجزیه و تحلیل کیفی و مباحثه‌ای با تعداد ده نفر از نخبگان اطلاعاتی و امنیتی مورد واکاوی قرار گرفته است.

## مفاهیم و مبانی نظری

### امنیت

در «فرهنگ لغات» امنیت<sup>۱</sup> به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن آمده است؛ به‌عنوان مثال در فرهنگ «معین» امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف شده است. (فرهنگ معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲) در فرهنگ عمید ایمنی، آرامش و آسودگی (فرهنگ عمید، ۱۳۷۹: ۲۳۳) و در فرهنگ «المنجد» اطمینان و آرامش خاطر (المنجد، ۱۹۷۳: ۱۸) معنا شده است.

امنیت انتظار نخست انسان‌ها از حکومت‌هاست که امروزه ابعاد گسترده و متنوعی یافته است. «امنیت از جمله دیرپاترین آمال بشر و یکی از لوازم و شروط بهزیستی و بهروزی وی تلقی گردیده و از دیدگاه مازلو، ابزار حرکت به سوی «خودشکوفایی انسانی» محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که وی در اولویت‌بندی نیازهای بشر، بلافاصله پس از نیازهای اولیه (هوا، غذا، مسکن، پوشاک)، نیاز به امنیت را جای داده و سایر نیازهای انسانی را با وجود ضرورت غیرقابل‌انکار آن‌ها، در اولویت‌های بعدی آورده است» (مرادیان، ۱۳۸۵: ۸۸) اگر در تعاریف امنیت دقت شود می‌توان چنین برداشت نمود که نقطه مشترک در تمام تعاریف، روی ضرورت «حفظ وجود خود» متمرکز می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان امنیت را «حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین خطرات» دانست. برخی صاحب‌نظران حفظ خود یا «صیانت ذات و نفس» را در پنج مقوله

«حفظ جان مردم»، «حفظ دین، باورها و ارزش‌های مردم»، «حفظ تمامیت ارضی»، «حفظ نظام اقتصادی سیاسی» و «حفظ استقلال و حاکمیت کشور» خلاصه نموده‌اند. امنیت ملی از دو بعد به هم پیوسته امنیت داخلی و امنیت خارجی تشکیل شده است. جنبه داخلی امنیت ملی، امنیت یک ملت در برابر تهدیدهای پیدا و پنهان در درون مرزها ملی را شامل می‌شود. این تهدیدها می‌توانند سیاسی (شورش، جدایی‌طلبی و ...)، اقتصادی (نابسامانی‌ها و بحران‌های اقتصادی و ...)، نظامی (کودتا و جنگ داخلی و ...) و اجتماعی (آشوب و شورش اجتماعی و ...) باشند که هر کدام به نوعی دولت ملی را تحت تأثیر قرار داده و موجودیت آن را مورد تهدید قرار می‌دهند. جنبه خارجی امنیت ملی به تهدیدهای برون‌مرزی علیه یک دولت مربوط می‌شود که دارای ابعاد سیاسی (انزوا و اعمال فشارهای سیاسی)، نظامی (حمله نظامی یا تهدید به حمله، تقویت بنیه نظامی دشمن)، اقتصادی (مانند تحریم‌های اقتصادی) و فرهنگی و اجتماعی است. امروزه این امر پذیرفته شده که به دلیل ارتباطات گسترده و نزدیکی ملل با یکدیگر، امنیت ملی در ابعاد خارجی و داخلی به یکدیگر مرتبط بوده و تحت تأثیر و تأثر یکدیگر قرار دارند. (منبع پیشین: ۱۷۸)

پس از دهه ۱۹۹۰، تغییراتی ژئوپلیتیکی رخ داد. بحران‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای، تضادهای ژئوپلیتیکی جدیدی را ایجاد می‌کند. بخشی از این بحران‌ها و جدال‌های منطقه‌ای ناشی از گسترش رقابت توسط قدرت‌های بزرگ و فرا منطقه‌ای است. بنابراین آنچه به‌عنوان کمر بند (نوار) شکننده از سوی «کوهن»<sup>۱</sup> مطرح شده را می‌توان نمادی از دگرگونی‌های محیطی دانست و آنچه به‌عنوان ژئوپلیتیک گسسته مطرح شده را کوهن در نظریه کمر بند شکننده ارائه کرده است. (رشاد، ۱۳۸۸: ۸۱-۷۸)

نوریان (۱۳۸۸) امنیت را یک امر بینا ذهنی و نظریه‌های امنیتی را متأثر از ذهنی بودن امنیت می‌داند، باورهای فلسفی افراد و تعریف آن‌ها از سود و زیان زمینه‌ساز تعریف موضوعات امنیتی و رفتار امنیتی آنان می‌شود. وی تأکید می‌کند که مفهوم امنیت، یک شالوده ذهنی دارد و ادراک بازیگران از مفهوم امنیت نوع رفتار آن‌ها را تعیین می‌کند و نظریه‌های امنیتی که به دنبال تحلیل رفتارها یا پدیده‌های امنیتی هستند، با تکیه بر تحلیل ادراکات انسان و مفاهیم اعتباری که در ساخت پدیده‌های امنیتی ایفاء نقش می‌کنند، می‌توانند درک صحیح و تبیین دقیق‌تری از امنیت ارائه نمایند. در تحقیق ایشان، بررسی دیدگاه برخی صاحب‌نظران اسلامی نشان می‌دهد امنیت و ناامنی و استبداد و ظلم و سایر مفاهیم مطرح در این چارچوب، همگی بر اساس ادراکی است که انسان از مفهوم عدالت در جامعه دارد (نوریان، ۱۳۸۸: ۱۰۷-۱۰۶)

افتخاری و نهازی (۱۳۸۹) در دسته‌بندی رویکردهای نظری نسبت به امنیت، آن‌ها را به سه دسته سنتی، مدرن و پسامدرن تقسیم نموده و در دیدگاه سنتی و باستانی حفاظت از انسان مطلوب تعریف شده توسط صاحب‌منصبان سیاسی، در دیدگاه مدرن، امنیت معطوف به قدرت و تأمین زندگی امن و مرفه انسانی و حفاظت از حاملان آن یعنی متخصصین و امنیت در دیدگاه پسامدرن معطوف به معنا در زندگی انسانی و تأکید بر لذت‌گرایی و معناگرایی اراده و خلاقیت انسانی است. (افتخاری و نهازی، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۲) در تحقیق مذکور ضمن بررسی بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) ابعاد امنیت عمومی به سه بعد شامل بعد مادی - معنوی، بعد ذهنی، بعد نهادی تقسیم می‌شود و استدلال می‌شود معظم له در حوزه مسائل امنیت عمومی دید موسع و عام‌نگرانه دارند. (همان: ۳۸-۳۰)

شیدائیان (۱۳۸۸) در بررسی ابعاد امنیت ملی از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ابعاد امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت قضایی، امنیت فرهنگی و امنیت دفاعی مرزی و منطقه‌ای را استحصال نموده و مؤلفه‌های امنیت ملی را به دو گروه تقسیم می‌کند؛ مؤلفه‌های درونی استقرار امنیت ملی شامل وفاق و همگرایی ملی، ولایت مداری، مشارکت عمومی، ساماندهی اقتصادی، اقتدار نظامی و دفاعی، قانون‌گذاری و قانون‌مداری، گسترش و تعمیق معارف دینی و جنبش نرم‌افزاری و تولید علم می‌شود و مؤلفه‌های منطقه‌ای امنیت ملی را دربرگیرنده مشترکات فراوان فرهنگی دینی، جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی برای پیشگیری از نفوذ دشمن و ایجاد ثبات و آرامش در منطقه تبیین می‌داند (شیدائیان، ۱۳۸۸: ۶۴-۵۷)

جدول (۱): نظریه‌های امنیتی

نظریه دهنده	نظریه
مرادیان	حفظ دین، باورها و ارزش‌های مردم
	حفظ تمامیت ارضی
	حفظ نظام اقتصادی سیاسی
	حفظ استقلال و حاکمیت کشور
	حفظ جان مردم
نوریان	امنیت یک امر بینا ذهنی است و تحلیل ادراکات انسان و مفاهیم اعتباری ایفاکننده نقش در ساخت پدیده‌های امنیتی هستند.
افتخاری و نهاری	سستی
	مدرن
	پسامدرن
شیدائیان	حفاظت از انسان
	قدرت و تأمین زندگی امن و مرفه انسانی و حفاظت از حاملان آن
	لذت‌گرایی و معناگرایی اراده و خلاقیت انسانی
مؤلفه‌های درونی	وفاق و همگرایی ملی، ولایت مداری، مشارکت عمومی، ساماندهی اقتصادی، اقتدار نظامی - دفاعی، قانون‌گذاری و قانون مداری، گسترش و تعمیق معارف دینی و جنبش نرم‌افزاری و تولید علم
	مؤلفه‌های مشترکات فراوان فرهنگی دینی، جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی برای پیشگیری
	منطقه‌های از نفوذ دشمن و ایجاد ثبات و آرامش در منطقه
<b>جمع‌بندی:</b> نوع نگاه ایجابی و یا سلبی نسبت به مسائل، عوامل روان‌شناختی و ادراکی در تعیین امنیتی شدن یا نشدن آن‌ها مؤثر است.	

## امنیت ملی

این اصطلاح در دایره المعارف علوم اجتماعی، توان یک ملت در حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدهای خارجی تعریف شده است (ترابی، ۱۳۷۹: ۱۷۹) «والتر لیپمن»<sup>۱</sup> نویسنده و محقق آمریکایی در مورد مفهوم امنیت ملی می‌گوید: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد». یا امنیت ملی، به حالتی اطلاق می‌شود که یک ملت از تهدیدهای از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود فارغ باشد (Lippman, 1973: 150)

## قانون اساسی

قانون اساسی، ساختار رسمی دولت، قدرت‌ها و نهادهای مرکزی حکومت را ترسیم می‌کند. همچنین حقوق شهروندان و حوزه محدودیت‌ها و وظایف حکومت در آن مشخص شده است. (قوام، ۱۳۷۳: ۳۲)

«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است» (مقدمه قانون اساسی، ۱۳۸۱: ۷) که حکومت در آن «به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به‌سوی هدف نهایی (حرکت به‌سوی الله) بگشاید» (همان: ۱۳) و «هدف از حکومت رشد دادن انسان در حرکت به‌سوی نظام الهی است تا و الی الله المصیر زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به‌منظور تجلی ابعاد خدا گونگی انسان فراهم آید (تخلوق باخلاق الله) (همان: ۱۵) پس به‌طور کلی هدف اصلی حکومت در قانون اساسی رشد معنوی انسان به‌سوی آمال ترسیم‌شده از طرف اسلام است.

## امنیت، امنیتی‌سازی و تهدید

امنیت، یک مفهوم بین‌الذهانی است و همان طوری که باری بوزان اعتقاد دارد نقطه آغاز یک مسئله امنیتی به تصمیم بازیگران بستگی دارد، اما مفهوم ذهنی بودن امنیت نیز معنای دقیقی ندارد و امنیت، موضوعی است که در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به برخی پدیده‌ها به‌عنوان تهدید نگاه کنند و دیگران را وادار کند که از استلزامات آن پیروی کنند؛ بنابراین، امنیت، یک مسئله اجتماعی است. (عبداله خانی ۱۳۶۰: ۱۳۸۳)

در علوم سیاسی و مطالعات مربوط به تحلیل سیاست خارجی، یکی از رویکردهای اصلی که در تحلیل رفتار و سیاست‌ها می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، تمرکز بر نحوه درک واقعیات و شناخت انسان از خود و دیگران و محیطی است که در آن عمل می‌کند. جوهره این رویکرد بر مفهوم ادراک انسان تمرکز دارد. این‌که انسان چگونه و بر اساس چه دیدگاهی واقعیات پیرامونش را تحلیل می‌کند و تصورات انسان به‌عنوان واحد اصلی عمل‌کننده در محیط با چه کیفیتی شکل می‌گیرند از جمله موضوعاتی هستند که بر اساس یک رویکرد روان‌شناختی قابل درک می‌باشند. (نوریان، ۱۳۸۰: ۸۷ و ۸۶)

امنیتی‌ساختن<sup>۱</sup>، نظریه‌ای است که از سوی مکتب کپنهاگ<sup>۱</sup> به‌منظور تحلیل مسائل امنیتی ارائه شده است باری بوزان می‌گوید: امنیتی کردن رخدادها باعث می‌شود که تصورات سیاسی متفاوتی از وقایع، نزد

بازیگر ایجاد شود که در نهایت به افزایش ناامنی وی منجر می‌شود و لذا کاربرد واژگان با حساسیت بالا مانند بحران، خطر و... موضوعیت می‌یابند. از طرف دیگر، نگرش‌های مبتنی بر غیرامنیتی کردن پدیده‌ها باعث می‌شود که واژه‌ها و اصطلاحاتی با حساسیت کمتر مانند موضوع، مسئله، پدیده و... به کار گرفته شود. (نوریان به نقل از بوزان، ۱۳۸۸: ۸۷)

به نظر بوزان هدف مکتب کپنهاک برای سیاستمداران در مواجهه با تهدیدات آن است که به جای بحث در مورد تهدیدات امنیتی به شناسایی فرآیندی توجه نمایند که در نتیجه آن تهدید امنیتی شکل می‌گیرد. بدین صورت پیشنهاد بوزان برای سیاستمداران این است که به جای اینکه بیشترین تلاش و تمرکز خود را برای مقابله با آن صرف کنند، بهتر است که به شناسایی فرآیندی بپردازند که باعث به وجود آمدن تهدیدات امنیتی گردیده است. به نظر بوزان از این طریق می‌توان مانع از به وجود آمدن زمینه‌های شکل‌گیری تهدیدات امنیتی گردید (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۴)

معرفی مفهوم امنیتی کردن تقریباً مسیر بسط دهندگان امنیت را فراهم کرد و کانون توجه را از خشونت و موضوع نظامی‌گری به دستور کاری وسیع‌تر مبدل ساخت. اما جدا از بسط صرف مفهوم امنیت، مفهوم امنیتی کردن معطوف به نمایاندن راهی است که از طریق آن چگونگی به نتیجه رساندن یا نرساندن دستور کار سیاسی مشخص می‌شود. (نادسن<sup>۲</sup>، ۱۳۸۶: ۱۰۰)

یک بعد اصلی از ایده امنیتی کردن، ایجاد آگاهی از واقعیت سرشت اختیاری تهدیدات و آگاهی از این مطلب است که مبنای سیاست‌گذاری امنیت ملی «طبیعت» تهدیدات نیست، بلکه منافع سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران باعث انتخاب آن‌ها می‌شود. از این رو امنیتی کردن به فرآیند قرار دادن موضوعات امنیتی فراسوی سیاست‌ها و تبدیل آن‌ها به چیزی که غیرقابل تردید بوده و تاکنون به صورت مبهم درک شده است، می‌باشد. (همان: ۱۰۱)

وی ابعاد امنیت را در پنج بعد نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی گسترش می‌دهد. مکتب کپنهاک را می‌توان واکنشی نسبت به دیدگاه رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها نسبت به امنیت دانست. در حالی که رئالیست‌ها در بحث امنیت محوریت را به قدرت نظامی می‌دادند، لیبرال‌ها تأمین امنیت را در دستیابی به صلح می‌دانستند. در واقع چارچوب تنگ و محدود دامنه امنیت در دیدگاه آنان در مکتب کپنهاک اصلاح گردیده است. (نوریان، ۱۳۷۸: ۱۵)

1. Copenhagen  
2. Knudson



درواقع راه‌حل وی برای تمایز میان موضوع‌های امنیتی و غیرامنیتی این است که برای اینکه موضوعی امنیتی قلمداد شود، دو معیار باید وجود داشته باشد:

نخست اینکه مسئله موردنظر باید به‌گونه‌ای عمل کند که حیات شهروندان جامعه را به خطر بیندازد و دوم اینکه مسئله خارج از قوانین موجود باشد، بدین معنی که نتوان با استفاده از موازین قانونی آن را کنترل یا مهار نمود. (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۲)

امنیت در رویکرد سلبی بر نبود «تهدید» دلالت دارد. لذا می‌توان آن را چنین تعریف کرد: وضعیتی که در آن منافع بازیگر از سوی دیگران تهدید نمی‌شود و یا در صورت وقوع تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن برای بازیگر مورد تهدید، وجود دارد. آنچه در آغاز در بحث امنیت مطرح می‌شد، فراغت از جنگ و درگیری مسلحانه و برخوردهای خشونت‌آمیز نظامی و درنهایت دست‌یابی به صلح بود. با این تصور، تهدید نظامی مهم‌ترین عامل بر هم زنده امنیت به شمار می‌رفت و بالطبع آن مهم‌ترین وظیفه دولت‌ها، افزایش قدرت نظامی و توان دفاعی بود. با وجود همه اهمیتی که امنیت نظامی داراست، این بعد از امنیت، اهمیت درجه اولی خود را از دست داده و به‌جای آن امنیت همه‌جانبه و ازجمله امنیت اقتصادی و فرهنگی بالاترین درجه اهمیت را به خود اختصاص داده است. (امیدوار، ۱۳۷۹: ۷۹) در گفتمان جدید امنیت، سعی بر آن است تا با پرهیز از سلبی‌نگری صرف به بعد ایجابی امنیت نیز توجه شود. و بدین ترتیب تصویر جامع‌تری از امنیت ارائه شود. در این گفتمان امنیت به نبود تهدید تعریف نمی‌شود بلکه افزون بر نبود تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های ملی نیز مدنظر می‌باشد. این رویکرد برای امنیت، ماهیت تأسیسی قائل است و بر این باور است که امنیت تنها در وضعیتی وجود دارد که در آن جامعه در سطح قابل‌قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافع ملی‌اش دست‌یافته باشد.<sup>۱</sup> (ماندل، ۱۳۷۹: ۱۶)

الی ویور<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان امنیتی و غیرامنیتی کردن، ضمن انتقاد از بسط دامنه شمولیت امنیت که سبب امنیتی شدن همه‌چیز می‌شود، تأکید می‌کند اگر مرزی برای فرآیند گستراندن حیطه مفهومی و عملیاتی امنیت تعریف نشود، امنیت تبدیل به مترادفی برای هر چیز خوب و مطلوب می‌شود. ویور ضمن تأیید دسته‌بندی جان گالتونگ<sup>۳</sup> و جین اُبرگ<sup>۴</sup> مبنی بر ارتباط مسائل امنیتی با چهار مقوله بقا، توسعه، آزادی و هویت تأکید می‌کند این دسته‌بندی حوزه مصادیق شرایط و موضوعات امنیتی را گسترش می‌دهد که مطلوب نیست. او نتیجه می‌گیرد که یک مسئله یا موضوع امنیتی چیزی است که بتواند اساس نظم سیاسی

1. Mandl  
2. waver  
3. Galtung  
4. oberg

را در داخل یک کشور (دولت) تحلیل ببرد و بدین‌وسیله مفروضه‌های لازم برای تمام دیگر سؤالات را تغییر دهد. بر این مبنا تهدیداتی به‌عنوان تهدید اصلی و جدی دیده می‌شوند که حق و توان تعیین سرنوشت و حاکمیت یک واحد را تحت تأثیر قرار دهند. (ویور، ۱۳۸۰: ۱۷۵) توجه به‌حق ویژه دولت و نخبگان دولتی در امنیتی نشان دادن یک موضوع مورد تأکید ویور است (همان، ۱۷۶)

جدول (۲): نظریه‌های تهدید شناسی

نظریه دهنده	نظریه
باری بوزان	نقطه آغاز یک مسئله امنیتی به تصمیم بازیگران بستگی دارد. به‌جای اینکه بیشترین تلاش و تمرکز خود را برای مقابله با تهدید صرف کنید، بهتر است که به شناسایی فرآیندی بپردازید که باعث به وجود آمدن تهدیدات امنیتی شده است. دو معیار برای تمایز میان موضوع‌های امنیتی و غیرامنیتی وجود دارد: ۱- مسئله موردنظر باید به‌گونه‌ای عمل کند که حیات شهروندان جامعه را به خطر بیندازد. ۲- مسئله خارج از قوانین موجود باشد، بدین معنی که نتوان با استفاده از موازین قانونی آن را کنترل یا مهار نمود.
	بازیگران می‌توانند به برخی پدیده‌ها به‌عنوان تهدید نگاه کنند و دیگران را وادار کند که از استلزامات آن پیروی کنند؛ بنابراین، امنیت، یک مسئله اجتماعی است.
عبداله خانی	یکی از رویکردهای اصلی که در تحلیل رفتار و سیاست‌ها می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، تمرکز بر نحوه درک واقعیات و شناخت انسان از خود و دیگران و محیطی است که در آن عمل می‌کند. جوهره این رویکرد بر مفهوم ادراک انسان تمرکز دارد.
نوریان	امنیتی کردن رخدادها باعث می‌شود که تصورات سیاسی متفاوتی از وقایع، نزد بازیگر ایجاد شود بنابراین کاربرد واژگان با حساسیت بالا مانند بحران، خطر و... موضوعیت می‌یابند.
نوریان به نقل از بوزان	نگرش‌های مبتنی بر غیرامنیتی کردن پدیده‌ها باعث می‌شود که واژه‌ها و اصطلاحاتی با حساسیت کمتر مانند موضوع، مسئله، پدیده و... به کار گرفته شود.
نادسن	مفهوم امنیتی کردن معطوف به نمایاندن راهی است که از طریق آن چگونگی به نتیجه رساندن یا نرساندن دستور کار سیاسی مشخص می‌شود.
	یک بعد اصلی از ایده امنیتی کردن، ایجاد آگاهی از واقعیت سرشت اختیاری تهدیدات و آگاهی از این مطلب است که مبنای سیاست‌گذاری امنیت ملی «طبیعت» تهدیدات نیست، بلکه منافع سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران باعث انتخاب آن‌ها می‌شود
ویور	یک مسئله یا موضوع امنیتی چیزی است که بتواند اساس نظم سیاسی را در داخل یک کشور (دولت) تحلیل ببرد و تهدیداتی به‌عنوان تهدید اصلی و جدی دیده می‌شوند که حق و توان تعیین سرنوشت و حاکمیت یک واحد را تحت تأثیر قرار دهند توجه به‌حق ویژه دولت و نخبگان دولتی در امنیتی نشان دادن یک موضوع مورد تأکید ویور بود.

## امنیتی ساختن یک پدیده (موضوع):

امنیتی ساختن به مفهوم خروج مسائل از حوزه سیاسی و ورود آن‌ها به حوزه امنیتی توسط ویور و بر اساس مفهوم اقدام گفتاری شکل گرفته و معتقد است که امنیت مفهومی مبتنی بر زبان می‌باشد و صرفاً پس از اظهار شدن به وجود می‌آید. نظریه امنیتی ساختن با طرح مفاهیمی همچون بازیگر امنیتی ساز، زمینه و مخاطب، مسائل مختلف مرتبط با این نظریه را در این چارچوب مورد بررسی قرار می‌دهد. این نظریه بیشتر بر پایه معرفت‌شناسی سازه‌انگاری و رئالیستی قرار گرفته است. (عبداله‌خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۰)

امنیتی شدن موضوع الزاماً ربطی به وجود تهدید حقیقی ندارد و می‌تواند از معرفی آن موضوع به عنوان تهدید نشئت گیرد. چنانچه بازیگر امنیتی ساز، پدیده‌ای را امنیتی نماید و مخاطب وی نیز آن را بپذیرد، آن پدیده امنیتی شده است. بنابراین آنچه در این میان نقش دارد، ذهن، ادراک و نگرش بازیگر و مخاطب می‌باشد. (همان، ۴۹۴)

رهیافت مکتب کپنهاگ در استفاده از روش‌شناسی «عمل به گفتار»<sup>۱</sup> برای این تعریف که چه وقت یک موضوع تبدیل به یک مسئله امنیتی می‌شود قدمی روبه‌جلو برداشته است. در این ره‌یافت، مسئله امنیتی می‌تواند نظامی یا غیرنظامی باشد، لیکن با توجه به میزان توجهی که به آن می‌شود و میزان اولویتی که در مسائل و مباحث سیاسی برای آن قائل می‌شوند قابل تشخیص و تفکیک هستند. (هاگ، ۱۳۸۶: ۲۱۱) ویژگی مفهوم امنیت از دیدگاه ویور این است که خطر به صورت بالقوه در جایی وجود ندارد، بلکه این نخبگان سیاسی هستند که از آن استفاده ابزاری می‌کنند. وی در رساله دکترایش در سال ۱۹۹۷ می‌نویسد: امنیت ارجاع به واقعیتی نمی‌دهد بلکه خود کلام است که این‌گونه عمل می‌کند. (نادسن، ۱۳۸۶: ۱۰۳)

اولمان می‌نویسد: تهدید امنیتی را باید یک اتفاق یا سلسله‌ای از وقایع که: ۱- وضعیت زندگی ساکنین یک کشور را شدیداً تهدید و طی یک دوران کوتاه زمانی، کیفیت زندگی آن‌ها را کم کند؛ ۲- حیطة انتخاب‌های سیاسی موجود برای دولت یا بخش خصوصی یا نهادهای غیردولتی (افراد، گروه‌ها و شرکت‌ها) داخل کشور را بشدت تهدید و یا محدود کند. (هاگ، ۱۳۸۶: ۲۰۰-۱۹۹)

زمانی امری به یک موضوع امنیتی مبدل می‌شود که همچون تهدیدی اساسی برای یک موجود جلوه کند و توسل به تدابیر فوق‌العاده را برای مهار آن‌ها موجه سازد (بوزان، ویور، دوویل، ۱۳۸۶: ۴۶) رئالیست‌ها و کسانی که در حوزه امنیت و وسعت بخشیدن به معنای آن فعالیت می‌کنند، پذیرفته‌اند که مسائل غیرنظامی می‌توانند وارد حیطة امنیتی شوند، بنابراین ارزیابی این‌گونه مسائل در ملاحظات

«امنیت ملی» نیز بسیار طبیعی است، هرچند مسائلی که در این زمینه (مسائل امنیتی) مطرح می‌شوند تعریفی اعتباری دارند (هاگ، ۱۳۸۶: ۲۱۱)

بالزاک<sup>۱</sup> با استفاده از مفهوم کنش کلامی<sup>۲</sup> (عمل به گفتار) عنوان می‌کند که مفهوم امنیتی شدن زمانی بهتر فهمیده می‌شود که آن را رویه‌ای راهبردی و عمل‌گرایانه تصور کنیم که درون یک وضعیت و به‌عنوان بخشی از آن روی می‌دهد و سه مؤلفه محیط و زمینه رویداد، ویژگی‌های فرهنگی - روانی کارگزار سیاسی و مخاطب را در برمی‌گیرد. در این چارچوب، قدرت شنونده و گوینده در یک روند تعاملی دارای اهمیت می‌باشد. (Balzaq, 2005: 173)

به‌طور کلی برای آنکه یک بحران اجتماعی یا سیاسی به یک بحران امنیتی تبدیل شود نیاز است تا ویژگی‌های عمومی زیر را کسب نماید:

- ۱- سازمان‌ها و نهادهای امنیتی بحران را احساس کرده و به آن برچسب امنیتی بزنند.
  - ۲- تخصص و بروز رفتارهای خشونت‌آمیز تشدید گردد.
  - ۳- روابط بازیگران مؤثر در بحران تغییر کیفی پیدا کند.
  - ۴- گروه‌های مشخصی از جامعه و رسانه‌ها آن را بحران امنیتی بدانند.
  - ۵- سازمان‌ها و نهادهای امنیتی انتظامی به‌عنوان یک بازیگر مؤثر در آن ظاهر شوند.
  - ۶- موجب افزایش ترس و ناامنی در بین بازیگران و جامعه گردد.
  - ۷- آینده به‌شدت غیرقابل‌پیش‌بینی شده و نظام کنترلی رو به ضعف گذارد.
  - ۸- انسجام اجتماعی تضعیف و جامعه به سمت قطبی شدن پیش برود.
  - ۹- اعتماد در بین بازیگران به‌شدت کاهش یافته و در تعاملات خود بدترین فرض‌ها را در نظر می‌گیرند.
  - ۱۰- در زندگی عادی و روزمره اخلاق چشمگیری مشاهده می‌شود.
  - ۱۱- در مدیریت بحران توسل به شیوه‌های خارج از عرف معمول سیاسی مطرح شود.
- پی بردن به این نکته که یک بحران اجتماعی مشخص چه موقع واجد ویژگی‌های یازده‌گانه بالا می‌گردد به عوامل متعددی مانند نوع بحران، بازیگران مؤثر در بحران، میزان جدی بودن تهدیدات، منطقه و بافت جغرافیایی محل وقوع بحران، میزان برخوردهای خشونت‌آمیز، روش‌های مدیریت بحران، تعدد و تنوع مسائل چالش‌برانگیز، متغیر ساختاری و بالاخره سطح تلاطم محیط بستگی دارد. این عوامل به‌تنهایی و در ترکیب با یکدیگر می‌توانند در امنیتی شدن یک بحران اجتماعی نقش مهمی را ایفا نمایند. (امیری، ۱۳۹۱: ۲۲۴)

1. balzaq  
2. Speech Act

باری بوزان اعتقاد دارد امنیتی شدن مسائل باید توسط بازیگری که بتواند به آن جلوه امنیتی بدهد به‌عنوان تهدیدی وجودی برای یکی از موضوعات امنیت معرفی شود و بدین ترتیب اتخاذ تدابیری اضطراری فراتر از آنچه در غیر این صورت لازم‌الاجرا بود تأیید شود. (بوزان، ویور و دوپلد، ۱۳۸۶: ۳۹)

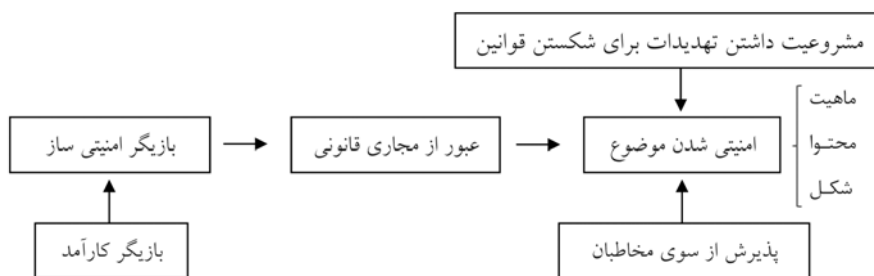
امنیتی شدن یک موضوع به برداشت نظامی و سیاسی از مفهوم امنیت باز می‌گردد لذا زمانی یک موضوع امنیتی تلقی می‌شود که تهدید اساسی برای یک واحد ملی باشد. سرشت خاص تهدیدات امنیتی، توسل به تدابیر فوق‌العاده برای مهار آن‌ها را موجه می‌سازد. در واقع استناد به امنیت، کلید مشروعیت بخشیدن به کاربرد زور است. (همان: ۴۶) تبلور آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات در زمینه‌های بسیار متفاوت از نظر نظامی و غیرنظامی سبب شد ویور و بوزان به طرح امنیتی شدن در قالب مکتب کپنهاگ در موضوعات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و نظامی بپردازند. در نظریه امنیتی شدن، کنش کلامی موفقیت‌آمیز از طریق درک بین‌الذهانی در درون یک جامعه سیاسی شکل می‌گیرد و بر اساس آن نحوه رفتار در برابر تهدید موجود و اعمال قدرت فوری و استثنایی برای برخورد با تهدید مطرح شده و دنبال می‌گردد. (Stritzel, 2007: 35)

امنیتی شدن موضوعات را می‌توانیم این‌گونه تشریح نماییم: «شکل رادیکال و حادثری از سیاسی کردن موضوعات» (سمتی و رهنورد، ۱۳۸۸: ۹۶)

برای امنیتی شدن موضوعات چهارچوبی امنیتی وجود دارد که از سه مفهوم اساسی و مرتبط تشکیل می‌شود:

- ۱- **شکل:** از نظر شکلی امنیتی شدن به‌طور مشخص با تمرکز بر گفتار بازیگران مسلط تعریف می‌شود که این بازیگران اغلب رهبران سیاسی می‌باشند.
- ۲- **محتوا:** مفاهیم و محتوای عمل امنیتی شدن به‌طور دقیقی بر تمرکز کردن بر زمان شروع این فرآیند تعریف شده و با ایجاد پتانسیلی برای موضوعات امنیتی توسعه آن را سبب می‌شود.
- ۳- **ماهیت:** محوری‌ترین نکته چهارچوب امنیتی شدن، مفهوم ماهیت عملی است که توسط بازیگر تعریف شود. این عمل صرفاً در قالب اصطلاحات و طرح تهدیداتی که به‌منظور امنیتی شدن توسط شخص امنیتی ساز به کار می‌رود، انجام می‌شود. اهمیت اصلی در این مفهوم تمرکز بر هدف هنجاری و یا بیان ارزش‌های اصلی است که در قالب و چهارچوبی خاص فهمیده می‌شود. (McDonald, 2008: 564)

گفتمان امنیتی ساز برای امنیتی شدن یک موضوع نخستین اقدام است، چرا که یک موضوع تنها زمانی امنیتی می‌شود که مخاطبان آن را به این عنوان بپذیرند. (سمتی و رهنورد، ۱۳۸۸: ۹۹)



شکل (۱): ترسیم کلی از امنیتی شدن موضوعات

## امنیتی شدن موضوع در ج.ا.ایران

### الف) بررسی فرمایشات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

جمع‌بندی احصا شده از فرمایشات و نظریات امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پیرامون تهدیدات متوجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل می‌باشد که این عوامل به‌عنوان شاخص‌های امنیتی شدن یک موضوع در سطح ملی از دیدگاه بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی و رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌بایست قابل توجه باشند.

جدول (۳): امنیتی شدن موضوع در ج.ا.ایران از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) منبع: (نشدانیان، ۶۶: ۱۳۸۸ و ۶۷)	امام خمینی (ره)
<p><b>فرهنگی:</b> اباحه‌گری و فساد اخلاقی، غرب‌زدگی، دوری از معنویت، اخلاق و تهذیب، پیدایش فرقه‌های نوظهور، رشد خرافات، بدعت و سطحی‌نگری، شکاف فرهنگی نسل‌ها، انحراف در سیستم آموزشی، رکود علمی و عدم خلاقیت، تحجر و جمود فکری.</p>	<p>تهدید امت اسلام به‌عنوان تهدید وجودی و زمینه‌ساز امنیتی شدن موضوع (صحیفه نور، ج ۹: ۲۰۳) (همان، ج ۲: ۲۵۵)</p>
<p><b>مدیریتی:</b> باندبازی و رانت‌خواری، ضعف مدیریت، قدرت‌طلبی، بی‌توجهی به مطالبات مشروع و منطقی و قانونی مردم،</p>	<p>مرجع ذهنی امنیت: اسلام (صحیفه نور، ج ۱۶: ۴۶۵)، (همان، ج ۱۵: ۳۲۹)، (وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره)، ۱۸: ۱۳۶۸)</p>
<p><b>سیاسی:</b> تکثر بی‌رویه احزاب و جریان‌های سیاسی، گرایش به سازش با آمریکا، تحرکات مشکوک احزاب و جریان‌های سیاسی وابسته، تفرقه و اختلاف در کارگزاران، بی‌اعتمادی مردم به مسئولان، تقویت و گسترش خط نفوذ و استحاله در مراکز حساس و کلیدی نظام.</p>	<p>مرجع عینی امنیت: ۱- جمهوری اسلامی به‌عنوان ایده حکومت (صحیفه نور، ج ۳: ۵۱۵)، (همان، ج ۴: ۲۴۴)، (همان، ج ۳: ۳۲۹) ۲- ولایت‌فقیه (صحیفه نور، ج ۴: ۴۹۵)، (همان، ج ۱۴: ۲۸۱)، (همان، ج ۱۰: ۳۲۷) ۳- قوای سه‌گانه (صحیفه نور، ج ۱۷: ۵۳۴)، (همان، ج ۱۳: ۲۶۲)، (همان، ج ۲۱: ۴۱۰) ۴- مردم (وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره)، ۵۴: ۱۳۶۸)، (صحیفه نور، ج ۱۷: ۲۵۳)</p>
<p><b>اقتصادی:</b> رشد نرخ بیکاری، تورم و گرانی، وابستگی صنایع کلیدی و کشاورزی به بیگانگان، فشار اقتصادی و مالیاتی به اقشار کم‌درآمد، ارتشاء، ربا، اختلاس، تجمل‌گرایی و اسراف.</p>	<p>مرجع امنیت در کنش گفتاری امام (ره): دولت اسلامی (پورسعید، ۲۹: ۱۳۸۹) اسلام (صحیفه نور، ج ۱۳: ۹۵) ولایت‌فقیه (صحیفه نور، ج ۲۰: ۱۷۰) مردم (صحیفه نور، ج ۱۱: ۳۶)</p>
<p><b>اجتماعی:</b> فساد اداری، ناهنجاری‌های اخلاقی، قاچاق، مواد مخدر، عدم نظارت عمومی بر عملکردها.</p>	<p>مرجع امنیت: جامعه، نظام و دولت عوامل تهدید زا برای حوزه‌های مختلف امنیت ملی: تهدیدات سیاسی امنیت ملی: برون‌گرایی و وابستگی به بیگانگان؛ خوش‌بینی به ابرقدرت‌ها و</p>
<p>۱. گسترش حوزه نفوذ نظامی سیاسی آمریکا و اتحادیه اروپا و پیمان نظامی ناتو در خاورمیانه، جهان اسلام، آسیای میانه و قفقاز شمالی خصوصاً در کشورهای همسایه ایران اسلامی. ۲. تحرکات سیاسی، نظامی و تبلیغاتی و طرح‌های سلطه طلبانه رژیم صهیونیستی در خاورمیانه. ۳. حمایت مالی و تبلیغاتی و تسلیحاتی گروه‌های</p>	<p>۱۳۸۳: ۱۱۸۱-۱۱۸۲: ۱۱۸۱-۱۱۸۲</p>

بررسی ویژگی‌های امنیتی شدن یک پدیده در ج.ا.ا.

<p>تروریستی توسط آمریکا در کشورهای همسایه ایران.</p> <p>۴. تلاش‌های مرموزانه و منافقانه پنهان و آشکار دولت‌های وابسته در خاورمیانه برای نفوذ و تقویت صهیونیسم و آمریکا در منطقه.</p> <p>۵. جاسوسی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی درباره توانایی و امکانات و استعداد‌های درونی نظام و بهره‌گیری از رسانه‌ها در جنگ روانی و تبلیغاتی جهت فریب افکار عمومی</p>	<p>هراس از آن‌ها؛ جایگزینی قدرت با اقتدار؛ فاصله‌گیری از طبقات پایین و محروم جامعه؛ تعارض گفتاری و رفتاری نخبگان سیاسی؛ انزوا گزینی، غفلت و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی؛ تفرقه و تعارض بین اقشار اجتماعی و گروه‌های سیاسی؛ قانون‌گریزی، ناستواری و بی‌ثباتی سیاسی؛ ضعف و یا تضعیف نهادها و دستگاه‌های دولتی؛ توطئه‌چینی قدرت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا؛ ناکارآمدی سازمان‌ها، رژیم‌ها و مجامع بین‌المللی؛ بی‌اهتمامی در فرایند گزینشگری سیاسی؛ و فقدان اجماع ذهنی و عملی نخبگان سیاسی.</p> <p>تهدیدات اجتماعی امنیت ملی: ضعف انسجام ملی؛ ضعف هویت دینی و ملی؛ وابستگی فکری- فرهنگی نهادها و مراکز هویت‌بخش و اندیشه‌ساز؛ اخلاق‌گریزی و اخلاق‌زدایی از سپهر عمومی جامعه؛ کاهش قابلیت، بازتولید فرهنگی و ناتوانی اندیشه‌ورزی؛ ضعف تبلیغاتی؛ ناکارآمدی و بدکارکردی گروه‌های مرجع (روحانیون و روشنفکران)؛ بی‌اعتمادی و نومیدی مردم</p> <p>تهدیدات اقتصادی امنیت ملی: وابستگی اقتصادی؛ بی‌کاری و کم‌کاری نیروهای مولد؛ غفلت از نیازهای استراتژیک کشور مثل کشاورزی؛ مصرف‌زدگی و واردات بی‌رویه کالاهای خارجی؛ طمع‌ورزی و دست‌اندازی بیگانگان بر ذخایر و منابع استراتژیک کشور؛ بی‌توجهی به اقتصاد و معیشت مردم</p> <p>تهدیدات نظامی امنیت ملی: سیاسی شدن نیروهای مسلح؛ اختلاف بین بخش‌های مختلف نیروهای مسلح؛ نا همراهی ملت با نیروهای مسلح؛ فاصله‌گیری نیروهای مسلح از دیانت و معنویت؛ ضعف روحی و خود ناباروری نیروهای مسلح؛ عدم مراعات اخلاق حرفه‌ای و بی‌انضباطی نیروهای مسلح؛ مداخله و حمله نظامی دولت‌های بیگانه</p>
---	--



ب) قانون اساسی ج.ا.ایران

جدول (۴): امنیتی شدن موضوع در ج.ا.ایران از منظر قانون اساسی کشور

حوزه‌ها	اصل قانون	موارد قانونی مندرج در اصل مربوطه
حقوقی و قضایی	نوزدهم	مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان سبب امتیاز نخواهد بود.
	بیستم	حقوق زن و مرد برابر و مساوی است.
	بیست و یکم	برای حفظ کیان و بقای خانواده باید دادگاه ایجاد شود.
	بیست و دوم	جان، مال، حقوق، حیثیت، مسکن و شغل اشخاص می‌باید مصون از تعرض باشد.
	بیست و سوم	تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض مواخذه قرار داد (آزادی عقاید)
	سی و سوم	هر کس می‌تواند به‌منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید.
	سی و هفتم	اصل بر براءت است و هیچ‌کسی از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر آنکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.
اقتصادی	سوم	دولت باید اقتصاد صحیح و عادلانه‌ای بر طبق ضوابط اسلامی جهت رفاه، رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه پی‌ریزی کند.
	سوم	- دولت باید تبعیضات ناروا را رفع کند و امکانات عادلانه برای همه ایجاد نماید.
	بیست و نهم	دولت موظف است از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات تأمین اجتماعی برای بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی و بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره تدارک ببیند.
	چهل و سوم	ساعات کار و محتوای آن باید طوری باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.
	چهل و سوم	اقتصاد بیگانه بر اقتصاد کشور نباید سلطه داشته باشد.
	چهل و سوم	کشور باید خودکفا باشد.
	چهل و هفتم	اموال شخصی مردم محترم است.
	چهل و هشتم	باید در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی در میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور تبعیض صورت نگیرد.

حوزه‌ها	اصل قانون	موارد قانونی مندرج در اصل مربوطه
فرهنگی و اجتماعی	سوم	دولت باید محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی ایجاد کند.
	سوم	دولت باید سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها را با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر بالا ببرد.
	سوم	دولت باید به تقویت روح، بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان بپردازد.
	دهم	همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری و قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.
	دهم	باید زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن ایجاد شود.
	بیست و پنجم	تجسس ممنوع است.
	سوم	استعمار و نفوذ خارجی باید طرد شود.
سیاسی و اداری	سوم	هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی باید محو گردد.
	سوم	- آزادی‌های سیاسی و اجتماعی باید تأمین شود.
	سوم	عامه مردم باید در تعیین سرنوشت سیاسی خویش مشارکت داشته باشند.
	ششم	در نظام جمهوری اسلامی امور کشور باید به اتکا آراء عمومی اداره شود و از راه انتخابات کشور اداره شود.
	نهم	در نظام جمهوری اسلامی آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی باید حفظ شود.
	سیزدهم	اقلیت‌های دینی می‌توانند مراسمات دینی خود را انجام دهند.
	سوم	دولت باید نظام اداری صحیح ایجاد کند.
دفاعی	سوم	دولت باید بنیه دفاع ملی را از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور تقویت کند.
	سوم	دولت باید خودکفایی را در امور نظامی تأمین کند.

بنابراین معرفه‌های امنیتی بودن تهدید از منظر قانون اساسی را می‌توان در عناوین زیر در حوزه ارزش‌ها و آرمان‌ها مورد توجه و تحلیل قرارداد. براین مبنای، هرگاه عوامل خارجی، این ارزش‌های اساسی را مورد تهدید قرار دهند، امنیت خارجی ج.ا.ایران به خطر خواهد افتاد:

۱- اسلامی بودن (شیعی بودن) نظام سیاسی؛

۲- ولایت فقیه؛

۳- استقلال و تمامیت ارضی کشور؛

۴- وحدت و همبستگی ملی. (ره پیک، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

## نقش رهبری، قوای سه‌گانه و شورای عالی امنیت ملی در تأمین امنیت ملی و نحوه هماهنگی بین ارکان مذکور

بر اساس بند ۱ اصل ۱۱۰ تعیین سیاست‌های کلی نظام بر عهده رهبری است و طبیعی است بخشی از این سیاست‌ها با مسائل امنیت ملی ارتباط مستقیم دارد. هم‌چنین مجمع تشخیص مصلحت نظام مطابق با بند فوق در بررسی سیاست‌های کلی نقش مشورتی و کارشناسی ایفا می‌کند.

هرچند رهبری - قوای سه‌گانه و نیروهای مسلح درگیر مسائل امنیتی هستند، زیرا مسائل امنیتی تحت عنوان مسائل ملی است و این نهادها با تصمیمات ملی سروکار دارند؛ مثلاً طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی رهبری در تعیین سیاست‌های کلی نظام که به‌طور عام به امنیت ملی هم ارتباط دارد و یا به‌طور خاص ممکن است مربوط به امنیت ملی باشد یا در اعلام جنگ و صلح که مربوط به امنیت ملی است یا در نصب و عزل فرماندهان نظامی نقش اساسی دارد یا قوه مجریه که تهیه لوایح را به عهده دارد یا تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ها را طبق اصل ۱۳۸ به عهده دارد یا قوه مقننه که طبق اصل ۷۱ می‌تواند در همه زمینه‌ها قانون وضع نماید یا طرح خاصی را در زمینه مسائل امنیتی تدوین و تصویب نماید یا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که تدوین و اجرای بودجه کشور را به عهده دارد؛ در تصمیم‌سازی که فرایندی خاص دارد مؤثرند. حتی سمن‌ها<sup>۱</sup> می‌توانند در این فرایند مؤثر باشند تا به تصمیم‌گیری برسد، لکن وظیفه این نهادها در زمینه امنیت ملی عرضی است نه ذاتی، درحالی‌که وظیفه امنیت ملی ذاتاً به عهده شورای عالی امنیت ملی است که در اصل ۱۷۶ اهداف، ترکیب و نحوه تصمیم‌گیری آن مشخص شده است.

### شورای عالی امنیت ملی

جایگاه و نقش شورای عالی دفاع در شرایط جنگی و احتمال تهاجم نظامی از بیرون مرزهای کشور امری کاملاً واضح و منطقی و قابل قبول است و به همین دلیل بود که در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ در اصل ۱۱۰ پیش‌بینی و اعضای آن دقیقاً تعیین شده بود. این در حالی است که قانون اساسی برای دفاع از

تمامیت ارضی و دفع تهاجمات احتمالی مسئولیت‌های لازم را بر عهده نیروهای مسلح و بسیج مردمی گذارده و تکلیف فرماندهی کل قوا را تعیین کرده بود: نکته ابهام‌آمیز در قانون اساسی گذشته این بود که خطرات احتمالی برای کشور اختصاصی به تهاجم از خارج مرزهای کشور ندارد. حفظ استقلال کشور که وظیفه اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران است بدون تأمین امنیت به مفهوم عام امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر آسیب‌پذیری استقلال تنها از بعد نظامی نیست و همواره ممکن است ضربه‌های مهلک بر استقلال کشور در بُعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وارد شود. وجود شورای امنیت کشور با بافت ضعیف و وظایف ابهام‌آمیز آن که قبل از بازنگری در وزارت کشور تشکیل می‌شد و هم‌اکنون هم به‌عنوان زیرمجموعه شورای عالی امنیت ملی کار می‌کند برای ایفای مسئولیت سنگین تأمین امنیت همه‌جانبه کشور که بسی فراتر از مسئولیت‌های یک وزارت خانه (وزارت کشور) است کافی به نظر نمی‌رسید از این رو حذف شورای عالی دفاع در حقیقت به سبب آن انجام گرفت که نهاد شامل‌تری جای‌گزین آن گردد و حدود اختیارات بیشتری را بر عهده گیرد. از سوی دیگر تأمین اهداف دفاعی و پاسداری از تمامیت ارضی و امنیت کشور امری کاملاً اجرایی است. گنجاندن چنین مسئولیت اجرایی در وظایف رهبری نمی‌توانست توجیه منطقی به همراه داشته باشد. مشغول کردن حوزه رهبری با مسائل اجرایی نه تنها مانعی برای ایفای مسئولیت‌های بزرگ در قلمرو وسیع امت و جهان اسلام محسوب می‌شد اصولاً دولت را که به‌صورت اصلی، مسائل اجرایی را بر عهده دارد از کسب توانمندی‌های بیشتر بازمی‌داشت. (هاشمی، ۱۳۷۴، ۴۲۶-۴۲۳)

### روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع توسعه‌ای - کاربردی و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. رویکرد حاکم بر پژوهش رویکرد ترکیبی (کیفی و کمی به‌صورت توأمان) است. بدین نحو که در ابتدا با استفاده از روش اسنادی جمع‌آوری داده‌ها و ابزار فیش‌برداری، عوامل اصلی مؤثر بر موضوع بحث جمع‌آوری و در جلسه طوفان فکری که با حضور ۱۰ نفر از دانشجویان دکتری امنیت ملی و چند نفر از مدیران ارشد سازمان‌های امنیتی به بحث گذارده شده و ضمن تعدیل و تأیید عوامل، میزان اثرگذاری آن‌ها بر امنیتی شدن یک موضوع به‌صورت کمی بررسی گردید.

## تجزیه و تحلیل

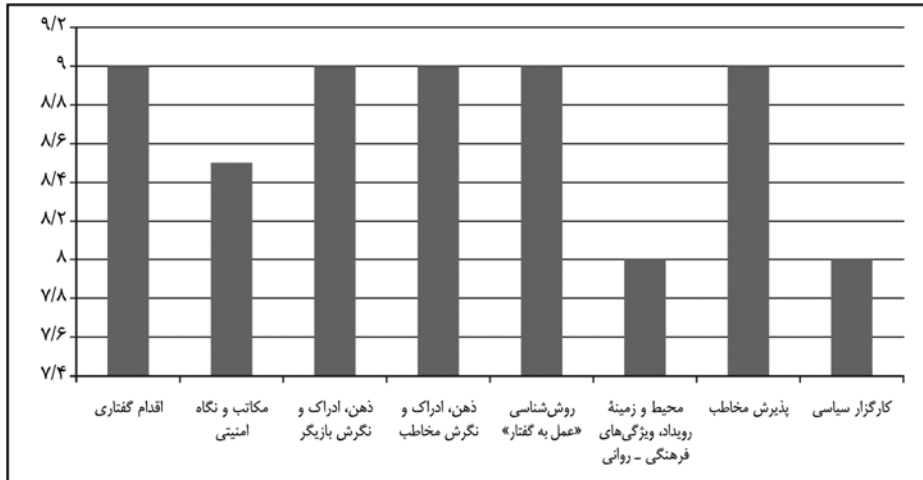
به‌منظور دستیابی به شاخص‌ها و مؤلفه‌های (مقوله‌های) امنیتی شدن یک موضوع بر اساس مبانی نظری موجود، از نظرات خبرگان به‌صورت طوفان فکری بهره‌گیری شد و مفاهیم مستخرجه به‌صورت مقوله‌های مؤثر با درصد فراوانی نظریات خبرگان تبیین و در جدول ذیل محقق گردید:

جدول (۵): احصاء مقوله‌های مؤثر بر امنیتی شدن موضوع

موضوع	مقوله		مفاهیم برگرفته از مبانی نظری
	فراوانی	درصد	
ویژگی‌های امنیتی شدن یک موضوع	۹	٪۹۰	خروج مسائل از حوزه سیاسی و ورود آن‌ها به حوزه امنیتی
	۸	٪۸۰	خطر به‌صورت بالقوه در جایی وجود ندارد، این نخبگان سیاسی هستند که از آن استفاده ابزاری می‌کنند
	۹	٪۹۰	نظریه امنیتی ساختن (معرفت‌شناسی سازه‌نگاری و رئالیستی) با طرح مفاهیمی همچون بازیگر امنیتی ساز، زمینه و مخاطب شکل می‌گیرد.
	۹	٪۹۰	امنیتی شدن موضوع الزاماً ربطی به وجود تهدید حقیقی ندارد، چنانچه بازیگر امنیتی ساز، پدیده‌ای را امنیتی نماید و مخاطب وی نیز آن را بپذیرد، آن پدیده امنیتی شده است
	۸	٪۸۰	مکتب کپنهاگ امنیتی شدن موفق را در سه عامل خلاصه می‌نماید. اول انطباق پدیده با تهدید وجودی، دوم ضرورت اقدام اضطراری در خصوص برخورد با آن پدیده و به‌بیان‌دیگر فوریت داشتن مواجهه با آن پدیده و درنهایت، تأثیر بر روابط میان واحدها
	۹	٪۹۰	مسائل امنیتی با توجه به میزان توجهی که به آن‌ها می‌شود و میزان اولویتی که در مسائل و مباحث سیاسی برای آن قائل می‌شوند قابل تشخیص و تفکیک هستند.
	۸	٪۸۰	تهدید امنیتی را باید یک اتفاق یا سلسله‌ای از وقایع که: ۱- وضعیت زندگی ساکنین یک کشور را شدیداً تهدید و طی یک دوران کوتاه زمانی، کیفیت زندگی آن‌ها را کم کند؛ ۲- حیطة انتخاب‌های سیاسی موجود برای دولت یا بخش خصوصی یا نهادهای غیردولتی (افراد، گروه‌ها و شرکت‌ها) داخل کشور را بشدت تهدید و یا محدود کند
	۹	٪۹۰	اقدام گفتاری
۸	٪۸۰	مکاتب و نگاه امنیتی	
۹	٪۹۰	مکاتب و نگاه امنیتی	
۹	٪۹۰	ذهن، ادراک و نگرش بازیگر و مخاطب	
۸	٪۸۰	مکاتب و نگاه امنیتی	
۹	٪۹۰	روش‌شناسی «عمل به گفتار»	

موضوع	مفاهیم برگرفته از مبانی نظری		مقوله	نظریات خبرگان	
	درصد	فراوانی		درصد	فراوانی
ویژگی‌های امنیتی شدن یک موضوع			مکاتب و نگاه امنیتی و ذهن، ادراک و نگرش بازیگر و مخاطب	۱۰	۱۰۰٪
	زمانی امری به یک موضوع امنیتی مبدل می‌شود که همچون تهدیدی اساسی برای یک موجود جلوه کند و توسل به تدابیر فوق‌العاده را برای مهار آن‌ها موجه سازد				
	امنیتی شدن مسائل باید توسط بازیگری که بتواند به آن جلوه امنیتی بدهد به‌عنوان تهدیدی وجودی برای یکی از موضوعات امنیت معرفی شود و بدین ترتیب اتخاذ تدابیری اضطراری فراتر از آنچه در غیر این صورت لازم‌الاجرا بود تأیید شود.				
	امنیتی شدن یک موضوع به برداشت نظامی و سیاسی از مفهوم امنیت باز می‌گردد لذا زمانی یک موضوع امنیتی تلقی می‌شود که تهدید اساسی برای یک واحد ملی باشد.				
ویژگی‌های امنیتی شدن یک موضوع			محیط و زمینه رویداد، ویژگی‌های فرهنگی - روانی کارگزار سیاسی و مخاطب	۸	۸۰٪
	با استفاده از مفهوم کنش کلامی عنوان می‌کند که مفهوم امنیتی شدن زمانی بهتر فهمیده می‌شود که آن را رویه‌ای راهبردی و عمل‌گرایانه تصور کنیم که درون یک وضعیت و به‌عنوان بخشی از آن روی می‌دهد و سه مؤلفه محیط و زمینه رویداد، ویژگی‌های فرهنگی - روانی کارگزار سیاسی و مخاطب را در برمی‌گیرد.				
	از نظر شکلی امنیتی شدن به‌طور مشخص با تمرکز بر گفتار بازیگران مسلط تعریف می‌شود که این بازیگران اغلب رهبران سیاسی می‌باشند.				
ویژگی‌های امنیتی شدن یک موضوع			ذهن، ادراک و نگرش بازیگر و مخاطب	۹	۹۰٪
	مفاهیم و محتوای عمل امنیتی شدن به‌طور دقیقی بر تمرکز کردن بر زمان شروع این فرآیند تعریف شده و با ایجاد پتانسیلی برای موضوعات امنیتی توسعه آن را سبب می‌شود				
			محوری‌ترین نکته چهارچوب امنیتی شدن، مفهوم ماهیت عملی است که توسط بازیگر تعریف شود.		
			پذیرش مخاطب	۹	۹۰٪
			گفتمان امنیتی ساز برای امنیتی شدن یک موضوع نخستین اقدام است، چرا که یک موضوع تنها زمانی امنیتی می‌شود که مخاطبان آن را به این عنوان بپذیرند.		

## فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی



نمودار (۱): میزان تاثیر گذاري مقوله‌های احصاء شده در امنیتی شدن یک موضوع از نظر خبرگان

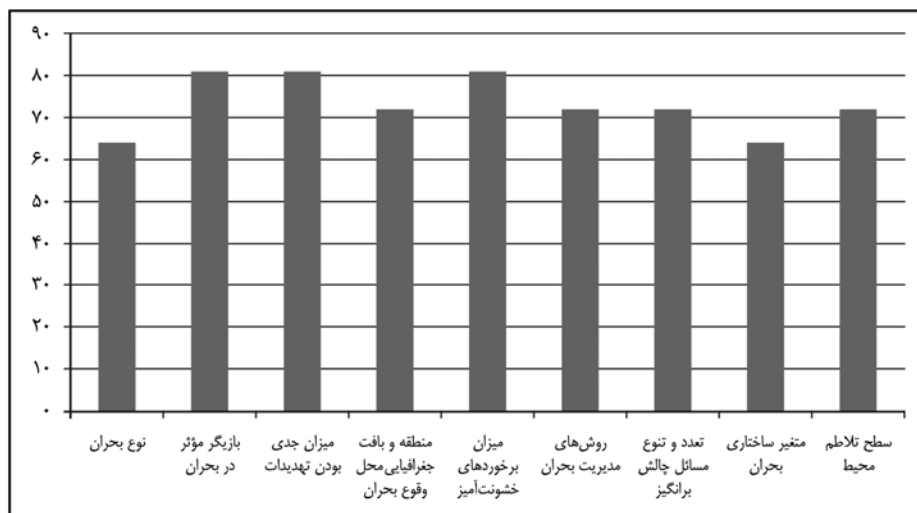
جدول (۶): عوامل مؤثر در بحران‌های اجتماعی مؤثر در امنیتی شدن یک موضوع

موضوع	مؤلفه‌ها	وزن	اهمیت	تأثیر
بحران‌های اجتماعی مؤثر در امنیتی شدن یک موضوع	نوع بحران	۸	۸	۶۴
	بازیگران مؤثر در بحران	۹	۹	۸۱
	میزان جدی بودن تهدیدات	۹	۹	۸۱
	منطقه و بافت جغرافیایی محل وقوع بحران	۸	۹	۷۲
	میزان برخورد‌های خشونت‌آمیز	۹	۹	۸۱
	روش‌های مدیریت بحران	۸	۹	۷۲
	تعدد و تنوع مسائل چالش برانگیز	۸	۹	۷۲
	متغیر ساختاری بحران	۸	۸	۶۴
	سطح تلاطم محیط	۹	۸	۷۲

بررسی ویژگی‌های امنیتی شدن یک پدیده در ج.ا.ا.

نمره پاسخگویی





نمودار (۲): عوامل مؤثر در بحران‌های اجتماعی که می‌توانند منجر به امنیتی شدن یک موضوع گردند

## نتیجه‌گیری

امنیتی شدن موضوع الزاماً ربطی به وجود تهدید حقیقی ندارد و می‌تواند از معرفی آن موضوع به‌عنوان تهدید نشئت گیرد. چنانچه بازیگر امنیتی ساز، پدیده‌ای را امنیتی نماید و مخاطب وی نیز آن را بپذیرد، آن پدیده امنیتی شده است.

پس در یک تعریف کلی می‌توان گفت که: امنیتی ساختن به فرآیندی اطلاق می‌شود که منجر به قرار دادن برخی موضوعات در چارچوب امنیت گردد و در یک دسته‌بندی کلی مشتمل بر: ۱- موضوعات غیرسیاسی (مسائلی که دولت با آن سروکار ندارد)، ۲- موضوعات سیاسی (منجر به تصمیم‌گیری و تخصیص منابع توسط دولت گردد)؛ ۳- موضوعات امنیتی است.

شرط امنیتی شدن یک موضوع: ۱- گفتمان امنیتی ساز شامل بازیگران امنیتی ساز<sup>۱</sup> و بازیگران کارآمد<sup>۲</sup> و ۲- شکستن قواعد و رویه‌های موجود تعریف می‌شود.

بر مبنای نتایج این تحقیق، بازیگران و میزان جدی بودن تهدیدات، بالاترین سهم در امنیتی شدن موضوعات از جمله بحران‌ها را دارند که در میان عواملی که مربوط به بازیگران است، ذهن، ادراک و نگرش

۱- بازیگران امنیتی ساز: فرد یا گروهی که موضوعات را با اظهار اینکه از نظر وجودی در معرض تهدید است امنیتی می‌سازند.

۲- بازیگر کارآمد: صرفاً دارای تأثیر بر تصمیمات در حوزه امنیت می‌باشند.



بازیگران امنیتی، روش مواجهه بازیگران با پدیده‌های امنیتی و در میان عوامل مرتبط با مخاطبان، ذهن، ادراک و نگرش مخاطبان و میزان پذیرش آنان سهم بالاتری در امنیتی شدن موضوعات دارند. بنابراین شاخص‌ها و مؤلفه‌های مؤثر در امنیتی شدن یک پدیده (موضوع) را می‌توان بر مبنای الگوی مفهومی ذکرشده و متأثر از ذهن، ادراک و نگرش بازیگر و مخاطب، مکاتب و نگاه‌های امنیتی، اقدام گفتاری و عمل به گفتار دانست.

توجه به مرجع امنیت از لحاظ شناسایی تهدیدات وجودی که متوجه آن است اهمیت دارد و چنانچه تهدید وجودی مرجع امنیت را در خطر قرار داده و تهدید نماید، موضوع امنیتی خواهد شد. در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نظریات امام خمینی (ره) مشتمل بر تأمین منافع و مصالح امت و ترجیح آن بر مصالح ملت و تعیین وظایف و مسئولیت‌های فراملی برای دولت اسلامی؛ و در مباحث مربوط به امنیتی شدن، صرفاً تهدید مرزهای ملی و منافع ملی به‌عنوان تهدیدهای امنیتی محسوب نمی‌شوند، بلکه در نگاهی جامع، آنچه امت اسلام را تهدید می‌کند به‌عنوان مسئله‌ای امنیتی برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. در بیان جامع‌تر از دیدگاه امام خمینی (ره) مرجع امنیت چندگانه بوده و دربرگیرنده اسلام، نظام اسلامی، ولایت‌فقیه و مردم (جامعه) می‌شود.

همچنین بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) امنیتی شدن پدیده (موضوع) متأثر از دو بخش چالش‌های درونی (در محورهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی) و تهدیدات بیرونی است که می‌بایست موردتوجه کارگزاران امنیتی و بازیگران امنیت ساز و کارآمد در کشور باشد. از منظر قانون اساسی هم هر آنچه ارزش‌های اساسی کشور (مشتمل بر: ۱- اسلامی بودن (شیعی بودن) نظام سیاسی؛ ۲- ولایت‌فقیه؛ ۳- استقلال و تمامیت ارضی کشور؛ ۴- وحدت و همبستگی ملی.) تهدید نماید، موضوعی امنیتی تلقی خواهد گردید.

## منابع و مأخذ

- امام خمینی (ره)، *صحیفه نور*، جلد‌های ۲-۳-۴-۹-۱۰-۱۳-۱۵-۱۶ و ۲۰
- امام خمینی (ره)، *وصیت‌نامه سیاسی الهی*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بیانات و فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، قابل دسترسی در سایت [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، تهران: انتشارات مرکز مطالعات راهبردی
- افتخاری، اصغر؛ نه‌زای، غلامحسین. (۱۳۸۹). *امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری*. مجله دانش انتظامی، شماره ۴۸.
- المنجد فی اللغة. (۱۹۷۳). تهران، انتشارات اسماعیلیان، افسست از روی دارالمشرق، بیروت، چاپ ۲۳.
- امیدوار، احمد (۱۳۷۹). *امنیت - امنیت ملی، ابعاد نظری و راهبردی‌های عملی*، مجموعه مقالات پیرامون امنیت ملی و نقش نیروهای انتظامی، تهران: سازمان ع.س.ناجا.
- امیری، عبدالرضا. (۱۳۹۱). *مطالعه فرآیند و متغیرهای مؤثر بر امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی در ایران*، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، شماره ۲۴.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری. (۱۳۷۹). *آشنایی با مکتب کپنهاک در حوزه مطالعات امنیتی (گفتگوی علمی بوزان با پژوهشکده مطالعات راهبردی)*، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳.
- بوزان، باری. ویبور، الی، دوویدل، پاپ. (۱۳۸۶). *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسعید، فرزاد. (۱۳۸۹). *مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی (ره)*، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۹.
- ترابی، محمد. (۱۳۷۹). *ساختار نظام بین‌المللی و امنیت ملی با تأکید بر جهان سوم*، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، شماره ۹.
- تقی‌لو، فرامرز و علی آدمی، ۱۳۸۹، *امنیت و پیشا ارزش‌های آن در اندیشه سیاسی اسلام*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، زمستان، شماره ۴.

- درویش سه ثلاثی، فرهاد (۱۳۷۴)، *تهديدات امنيت ملي يك چارچوب نظري*، مجله سياست دفاعی سال سوم شماره ۱۰ و ۱۱.
- رشاد، افسانه (۱۳۸۸)، *آمداد و پشتيباني در عصر جداسازي حوزه‌هاي ژئوپوليتيكي*، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هفتم، شماره ۲۶.
- ره پیک، سیامک (۱۳۸۷). *تهديدات قدرت ملي شاخص‌ها و ابعاد*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- سمتی، هادی و رهنورد، حمید. (۱۳۸۸). *امنيتي شدن ايران و استراتژي امنيت ملي ايالات متحده آمريکا*، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۲.
- شیدائیان، حسین. (۱۳۸۸). *امنيت ملي از منظر امام و مقام معظم رهبري*، فصلنامه حصون، شماره ۱۹.
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۳). *نظريه‌هاي امنيت مقدمه‌اي بر طرح‌ريزي دکترين امنيت ملي*، ج ۱، تهران: موسسه مطالعات راهبردی.
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۵). *بررسي و نقد نظريه امنيتي ساختن*، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۳۳.
- عصاریان نژاد، حسین (۱۳۸۱). *جويشي بر امنيت ملي*، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). *فرهنگ فارسي*، چاپ نوزدهم تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳). *سياست‌هاي مقايسه‌اي*، تهران: انتشارات سمت.
- قریبی، سید محمد جواد: و موسوی، سید صدرالدین. (۱۳۹۳). *بررسي مرجع امنيت در مکتب امنيتي امام خميني (ره)*، مجله پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۹
- قانون اساسي نظام جمهوري اسلامي*. (۱۳۸۱). تهیه و تنظیم محمدعلی عبداللهی، تهران: انتشارات نشاط.
- کریمی‌مله، علی (۱۳۸۳). *تأملي معرفت‌شناسانه در مسئله امنيت ملي از نگاه امام خميني (ره)*، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۲۶.
- کریمی‌مله، علی. (۱۳۸۴). *شناسايي مرجع امنيت در رويکرد امنيت ملي امام خميني (ره)*، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۳۰.
- نادسن، اولاف. (۱۳۸۶). *مطالعات امنيتي پسا کپنهاگي: غيرامنيتي کردن امنيتي کردن*، مترجم اصغر صارمی شهاب، فصلنامه امنيت، شماره ۳.
- نوریان، اردشیر. (۱۳۸۸). *ادراک و اعتبار گرايي در نظريه‌هاي امنيتي*، مجله علوم سیاسی، شماره ۴۵.

ماندل، رابرت (۱۳۷۹). *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مرادیان، محسن (۱۳۸۵). *درآمدی بر ابعاد و مظاهر تهدیدات*، تهران: انتشارات راشا.

مرادیان، محسن (۱۳۸۷). *شاخص‌های اصلی سنجش قدرت نظامی کشورها*، کنگره سراسری اقتدار عملی - اقتدار ملی، تهران.

مرادیان، محسن (۱۳۹۰). *مدل‌سازی ریاضی سنجش امنیت خارجی*، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره اول.

معین، محمد. (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی*، چاپ ششم تهران: انتشارات امیرکبیر.

هاشمی، سید محمد. (۱۳۷۴). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*؛ اصول و مبانی کلی نظام، ج ۱، تهران: نشر یلدا.

هاگ، پیتر. (۱۳۸۶). *روند تاریخی غیرامنیتی کردن پدیده‌های امنیتی*، ترجمه محمدرضا خسروی، مجله نگرش راهبردی، شماره ۷۹ و ۸۰.

ویور، آلی. (۱۳۸۰). *امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن*، ترجمه مرادعلی صدوقی، مجله فرهنگ اندیشه، شماره ۳ و ۴.

Balzaq.T. (2005). The Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context, *European journal of International Relations*, vol.11.No.2.

Lippman, Walter. (1973). *Cold war*, U.S.A: Joammed Colter Books

McDonald,m. (2008), Securitization and Construction of Security, *European Journal of Inernational Relations*, vol 14(4).

Stritzel.H. (2007).Towards a Theory of Securitization: Copenhagen and Beyobd. *European Journal of International Relations*, vol.13(3).